اندیشه نیک
گفتار نیک کردار نیک

پارس نامه

پارس نامه ماهنامه خبری پژوهشی تحلیلی
سال هفتم – شماره شصت و شش –آذر ۱۳۹۳
Parsnameh - No.66 -Dec 2014

تا که از کلک ازل سرخط فرمان برود
نام زرتشت کی از خاطر دوران برود
تا سه اصلش که بود سهره ی آفاق شده
بال و پر گیرد و تا گنبد گردان برود
گفته های خوش و شیوا و اهورایی او
جای آنست که بر تارک کیهان برود
فرّ زرتشت چو خورشید بتابد بر نور
هر کجا نامی از ایرانی و ایران برود

توران شهریاری
بهرای

مراسم درگذشت اشو زرتشت اسپنتمان برگزار شد
جشن سده در مارکار تهرانپارس برگزار می شود
به کجا چنین شتابان؟؟

مراسم درگذشت اشوزرتشت اسپنتمان برگزار شد

مراسم درگذشت اشوزرتشت اسپنتمان-بزرگ پیام آور ایرانی- با آیین جشن خوانی و یادی از درگذشتگان در همه شهرهای زرتشتی نشین کشور برگزار شد.

در تهران آیین جشن خوانی ساعت ۸:۳۰ بامداد در تالار ایرج برگزار شد و سپس اتوبوس های تدارک دیده شده توسط انجمن زرتشتیان تهران همکیشان را به قصر فیروزه رساندند،این درحالی است که به علت تطبیق این روز باآدینه بسیاری از همکیشان از صبح زود به قصر فیروزه رفته بودند.

امسال نیز مطابق هر سال با هماوری تدارکات لازم برای پخت آش فراهم شده بود و برخی از همکیشان از شب قبل برای برپایی بهتر مراسم و پخت به موقع آش در آشپزخانه قصر فیروزه بودند.

در یزد در همه محله های زرتشتی نشین آیین جشن خوانی و یادبود درگذشتگان برگزار شد و آرامگاه یزد و کرمان نیز پذیرای بسیاری از همکیشان بود که برای یادبود درگذشتگان گرد آمده حضور داشتند.

درشیراز،اصفهان ،کرج و سایر شهرها نیز این آیین با حضور همکیشان برگزار شد.

آوای مـــوسیـــقی
در پانزدهمین جشنواره موسیقی زرتشتیان طنین انداز شد

آوای سازهای هنرمندان زرتشتی در جشنواره موسیقی زرتشتیان در تالار دبستان گیو طنین انداز شد تا برای پانزدهمین سال متوالی نوازندگان جامعه زرتشتی در فضایی سالم با هم رقابت کنند و در بالا بردن دانش موسیقی ونوازندگی جامعه زرتشتی بکوشند.

امسال برای دومین سال پیاپی جشنواره در تالار دبستان گیو برگزار شد. تالار دبستان گیو یکی از استانداردترین تالارهای نمایش در تهران است. همین ویژگی سبب شده است تا برگزارکنندگان جشنواره موسیقی برای دومین سال آن را به عنوان مکان برگزاری همایش برگزینند.

به گفته هماهنگ کننده جشنواره موسیقی ، شیب تالار گیو سبب شده است تا سن در تمامی نقاط دیده شود و از این لحاظ بهتر از جشنگاه خسروی است. وی از انجمن اولیا و مربیان دبستان گیو برای اجازه استفاده از سالن قدردانی کرد. در جشنواره موسیقی امسال ،گاتاخوانی توسط نگار بزرگ چمی و شایان رستمی صورت گرفت ،سپس گروه مختلف موسیقی به اجرای برنامه پرداختند.

این گروه ها امسال اجرای برنامه داشتند:

گروه ساز و نای مهر: اشکان رستمی، خسرو آتشبند، نامدار بهشاد، مهران خسرویانی، نیما فرهی فر با سرپرستی امید انوشه

تک نوازی تمبک: فرشید وهمنی

هم خوانی و هم نوازی گیتار و کاخون: ارشیا خسروپور و آریانا خسروپور

تک نوازی ویولن: پارسا سلامتی پور

گروه باربد کسنویه: اشکان رستمی، مهران خسرویانی، پریوش فلفلی، همایون یزدانی، ژیلا خسرویانی، پریناز خسرویانی، سهیلا ایزدیار با سرپرستی اشکان رستمی

تک نوازی پیانو: میترا خدادادی

اجرای گروه وهیشتا: مهرزاد کاویانی، ارشیا خسروپور و آریانا خسروپور با سرپرستی مهرزاد کاویانی

تک نوازی تار: فرزین دستان

هم نوازی وهومن: ماهدیس خسروی و نیلوفر هرمزدی

تک نوازی سنتور: کیمیا کاویانی

هم نوازی تار و پیانو: فریماه فروغی و پویا فرهی

تک نوازی سه تار: گیتا خدیوی

داوران این دوره جشنواره آقایان دکتر حسن ریاحی ،محمد سریر و سیف اله طلوعی بودند که در بیانه پایانی با یادآوری این که نمی توان سازهای مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد و تنها جهت پیشرفت بهتر موسیقی، گروه وهیشتا را به عنوان گروه برتر و میترا خدادادی را به عنوان تکنواز برتر برگزیدند. از گروه باربد کسنویه و نوازندگی فرزین دستان و کیمیا کاویانی نیز سپاسداری ویژه شد.

امسال در کنار مزیت هایی چون دید مناسب تر به سن که با پروژکتور و تصویربرداری بهتر نیز شده بود و وجود پارکینگ، اجرای همزمان دیگر برنامه ها با جشنواره موسیقی سبب شده بود که عده کمتری از همکیشان در این برنامه حضور داشته باشند.

به گفته هماهنگ کننده جشنواره موسیقی امسال همه گروه های موسیقی شرکت کننده جدید بودند و گروه های موسیقی سال های پیش به دلایلی چون هزینه های رفت و آمد و یا تکمیل نبودن گروهشان نتوانسته اند در جشنواره حضور یابند.

کتاب های دینی و اوستا دبستان چاپ نهایی می شود

کتاب های دین آموز و اوستا(سال اول و دوم دبستان) دوره ی آزمایشی و ویرایش دوباره را پشت سر گذاشته و سال بعد چاپ نهایی خواهند شد.

درسی امین کارگروه دینی زرتشتیان سراسر کشورکه در محل دبیرخانه کارگروه در سازمان فروهر با باشندگی نمایندگان انجمن های زرتشتی سراسر کشور، مسوولان جامعه زرتشتی و دکتر اسفندیار اختیاری؛نماینده ایرانیان زرتشتی، برگزار شد،بااعلام اینکه کتاب های دین

آموز و اوستای سال های اول و دوم دبستان در مرحله ویرایش نهایی برای چاپ است، گزارش کاملی از تالیف و آماده سازی کتاب های دینی(پنجم و ششم) و کتاب اوستا (چهارم، پنجم و ششم) توسط گروه مولفین کتاب های دینی و اوستا، ارائه شد.

در این نشست همچنین، گزارش برگزاری آزمون هماهنگ دینی در سراسر کشور توسط نمایندگان انجمن های زرتشتی سراسر کشور ارایه و به بررسی نقاط قوت و ضعف آن پرداخته شد. سپس از معلمان، مسوولان، هماهنگ کنندگان و نمایندگان انجمن ها برای همکاری در برگزاری شایسته و امن آزمون ها تقدیر

و سپاسگزاری شد.

گزارشی ازفرم ارزشیابی تحصیلی(کارنامه توصیفی)نیز توسط مسوولین در کارگروه ارائه و بررسی شد .

در این نشست،در مورد امتیاز بندی سوالات آزمون هماهنگ ترم پایانی برای دانشپایه های گوناگون، زمان برگزاری آزمون، و همچنین دوره ی بازآموزی معلمان دینی سراسر کشور، محل برگزاری بازآموزی، عنوان های کلاس های بازآموزی تابستان ۹۴ و ... گفت وگو و نظرخواهی شد.

شماره شصت و شش- آذر ۱۳۹۳-پارس نامه-ماهنامه خبری پژوهشی تحلیلی

عملیات بازسازی فضای داخلی آدریان تهران خاتمه یافت

عملیات بهسازی و رنگ آمیزی فضای داخلی آدریان تهران پایان یافت و با مرتب شـــدن و ساماندهی محیط ،این مکان مقدس برای نیایش همکیشان و برگـــزاری مراســـم هـــای مختلف آماده است.

بـه گفته فرشـید نمیرانیـان هموند کمیسیون ساختمان ،امور مربوط به رنگ آمیزی و کف سـابی فضای داخلی آدریان تهـران پایان یافته و آماده برپایی مراسـم هـای گهنبار و... می باشد .

وی افـزود : بـه دلیل شـرایط آب وهوایی سـتون های بیرونی آدریان تهران هنوز تکمیل نشده است که با مسـاعد شدن آب و هوا کار مرمت این سـتون ها نیز به سـرعت انجام خواهد شد.

وی همچنین از رنگ آمیزی کامل و آماده شـدن سـالن پشت آدریان تهـران و آشـپزخانه ، برای حضور همکیشان در مراسـم های مختلف خبر داد.

کار بهسـازی آدریـان تهـران از دوسـال پیش آغاز شـد وبـا وقفه هـای چندماهه به دلیل مشـکلات متعدد و زمـان لازم جهت تاییدیه هـای میـراث فرهنگـی تاکنون به طول انجامید.

جشن سده در مارکار تهرانپارس برگزار می شود

جشـــن سده،جشـــن پیدایش آتش و جشـــن پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر روز دهم بهمن ماه در همه استان های زرتشـــتی نشـــین کشور جشن گرفته می شود.

جشـن سـده روز مهر از مـاه بهمن مصادف با دهم بهمن ماه ، با اوسـتا خوانـی موبـدان و روشـن کردن آتش سده در هنگامه غروب آفتاب برگزار می شود.

بنا بر تصمیم تاکنون انجمن زرتشتیان تهران ،قرار اسـت امسـال سده در مجموعه مارکار تهرانپارس برگزار شـود و قبل از روشـن کردن آتش برنامه های فرهنگـی و هنری چون سخنرانی،موسیقی و.. اجرا می شود.

در کرمان نیز به مانند سالیان گذشته سـده در مجموعه باغچه بوداغ آباد بـا حضـور علاقمندان برگـزار مـی شـود. انجمـن زرتشتیان کرمان در تـدارک برنامـه های فرهنگـی و هنری برای هر چه باشـکوهتر برگزار کردن این جشن ملی است.

برپایی سـده در کرمان پیشینه بسیار کهن دارد و مـردم کرمـان از آن بعنوان سده سوزی یاد می کنند.

در یزد،کرج،اصفهان،شیراز و سایر شـهرهای زرتشـتی نشـین نیز سده برگزار می شود.

برگزاری پنجمین کنگره جوانان برگزیده زرتشتی

هیـات برگزاری کنگـره جوانان برگزیـده زرتشـتی از برگزاری پنجمیـن دوره این کنگـره در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۴ خبر داد.

هیات برگـزاری کنگره، که از شـهریور ماه امسـال کار خود را آغاز کرده است، با انتشـار این خبر، اعلام کرد که جوانان علاقه مند بیـن ۲۲ تا ۳۵ سـال که دارای سـوابق برتـر تحصیلـی، کاری، هنری، اجتماعی، دینی یا ... هسـتند می توانند از ۲۰ دی مـاه ۹۳ به مدت دو هفته به آدرس www.zyccongress.com مراجعه و برای ثبت نام اقدام کنند.

کنگره جوانان برگزیده زرتشتی که به عنوان طرح برتر «برنامه توسعه رهبری جوانان» در «نهمین کنگره جهانی زرتشـتیان» شناخته شد، برای نخستین باردر سال ۸۸ به صورت آزمایشـی و با تأیید تمامی نمایندگان ۵۲ سازمان و ارگان زرتشتی برگزار شد.اهداف این کنگره شناسـایی، معرفی و هم سـو سـازی اسـتعدادها افزایش دانش و بینش دینی-اجتماعـی و مهـارت های زندگی جمعـی آشـنایی و ایجاد همبسـتگی در محیطی پر نشـاط در جهت افزایش زمینه های همکاری آتی افزایش احساس تعلق و پیوستگی با جامعه و علاقه به مشارکت در اموراجتماعی است. کنگره جوانان برگزیده زرتشـتی فرصتی است برای آغاز شناخت ها، دوسـتی ها، همفکری ها و همدلی ها، برای ماندن و ساختن اعلام شده است.

خـــبرهای کوتاه

***هیات رییسه سازمان جوانان زرتشتی تکمیل شد**

در پی مسـافرت به خارج از کشور دو تن از هموندان هیئت رییسه سازمان جَوانان زرتشتی تهران و پذیرش استعفاء آنها از سوی هیئت مدیره، از هموندان جانشین؛ فرامـرز فلامرزیان و پـریا ماونـدی دعوت به همکاری شد و پس از انتخابات داخلی، هموندان هیئت رییسه انتخاب و تکمیل شد.

بر اسـاس پروانه صادره از سوی کمیسـیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور، هموندان هیئت مدیره تا ۹۵/۰۲/۰۲ به فعالیت خواهند پرداخت. دیگر هموندان هیئت رییسه و هیئت مدیره به سمت خود پابرجا خواهند بود.

-سیاوش بنداریان زاده؛ رییس هیئت مدیره- دادبه اورنگی؛ نایب رییـس اول هیئت مدیره- بهرام جاودانی؛ نایب رییس دوم هیئت مدیره- پـریا ماونـدی؛ خزانـه دار- فرامـرز فلامرزیـان؛ دبیـر- آویسا نیکدین؛ عضو- شـهنام فرزانه؛ عضوهیئت بازرسان سـازمان جوانان زرتشتی تهران با حضور فرزاد دهنوی زاده زرتشتی- پرویز اهورایی- منوچهر بمانی چم تا خرداد ۱۳۹۴ در سمت خود به فعالیت خواهند پرداخت.

***مجمع همگانی انجمن زرتشتیان یزد برگزار شد**

مجمع همگانی عادی سـالیانه انجمن زرتشـتیان یزد در تالار بانو و کیخسرو بزرگ چمی با حضور نماینده فرمانداری یزد و همکیشان برگزار شد .

مطابق دستور جلسـه از پیش اعلام شده ،پس از تعیین هیات رئیسـه ، صورت های مالی عملکرد سـال ۱۳۹۲ این انجمن ارایه شـد و پس از خواندن گزارش بازرسـان مورد تصویب قـرار گرفت و سـپس رای گیـری جهت انتخاب بازرسـان صورت گرفت .پس از شـمارش آرا ، شاه بهرام مهررستمی به عنوان بازرس اصلی و فرشید بهرام شهری به عنوان بازرس جانشین انجمن زرتشتیان یزد به مدت یکسال انتخاب شدند.

***نام نویسی نمایشگاه ابداعات و اختراعات**

کانون دانشـجویان زرتشـتی در نظر دارد امسـال نیز همانند سـال های پیشین برای پرورش و بازیابی خلاقیت علاقمندان ، نمایشگاه ابداعات و اختراعات را در همایش علمی برگزار نماید. هدف از برگزاری این نمایشـگاه شناسایی و تقدیر از مخترعان، مبتکران و نوآوران زرتشـتی است.علاقه مندان به شـرکت در این نمایشگاه می توانند تا تاریخ ۱۱ بهمن ماه از طریق سایت همایش علمی و تکمیل فرم مربوطه اقدام به ثبت نام و شرکت در این بخش نمایند.

***تیم بسکتبال رستم آبادیان مقام نخست در منطقه**

در پیکارهای بسکتبال آموزشـگاه های (دبیرستان دوره اول) منطقه دوازده آموزش و پرورش شهر تهران ، تیم رستم آبادیان توانست مقام نخست این دوره از مسابقات را کسب نماید.

این مسـابقات طی دوروز در ورزشگاه شهید صدری برگزار شد و از میان چهار تیم ، رستم آبادیان توانست با سه برد مقام اول را از آن خود کند.

طبق گفته مسـوولان مسـابقات منطقه، تیم رسـتم آبادیان با کسـب مقام اول در مسـابقات ، جواز حضور در مسـابقات استان تهران را به عنوان نماینده منطقه ۱۲ آموزش و پرورش کسب کرد.

***مدیر جدید تالار خسروی شروع به کار کرد**

خشایار کاووسی به مدت شـش ماه به عنوان مدیر تالارهای پذیرایی انجمن منصوب شد .

شـامگاه دوشـنبه ۲۴ آذرماه در نشسـت غیـر علنی انجمن زرتشـتیان تهـران ، در خصوص انتصـاب مدیریت جدید تالارهای پذیرایی این ارگان تصمیم گیری شد و در پایان ، فرنشین انجمن زرتشتیان تهران گفت: از بین نفرات کاندید شده برای سمت مجری تالار خسـروی ، خشایار کاووسی و شـهرام موبد به عنوان نفرات اصلی در نشسـت غیرعلنی حضور داشـته و پـس از ارائه برنامه های خود و بررسـی و رای گیری اعضای انجمن ، خشـایار کاووسـی با ۱۰ رای موافق مدیر سالن خسـروی شد .خشایار کاووسی ۳۲ سال سن دارد و از سال ۱۳۷۹ در امور فیلم برداری مجالس فعال بوده است .

***افتخار آفرینی نوجوان زرتشتی در مسابقات تنیس روی میز**

مهرنوش بهروزی دانش آموز پایه هشتم دبیرستان امام حسین (دوره اول) ،توانسـت در مسابقات تنیس روی میز ناحیه یک استان یزد مقام سوم راکسب کند.

این پیکارها در سـالن ورزشـی دادرسـان یزد برگزار شد و مهرنوش بهروزی توانسـت با مربی گری خانم آذرمیدخت بنداریان به این افتخار دست پیدا یافت.

کنگره جوانان زرتشتی پلی برای اتحاد و پیشرفت

از سال ۱۳۸۸ که طرح و ایده برگزاری «کنگره جوانان برگزیده» مطرح شد و در هفدهمین و هجدهمین نشست نمایندگان انجمنها و نهادهای زرتشتی توسط نمایندگان ۵۲ ارگان زرتشتی به تأیید رسید ، تاکنون چهار دوره از این کنگره برگزار شده است. در این سال ها بیش از صد نفر از جوانان برگزیده جامعه که هر کدام در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی، دینی، اجتماعی و ... دارای سوابق قابل ذکر و درخشان بوده اند، شرکت کرده اند. چندی است کمیته برگزاری، که ترکیبی است از شرکت کنندگان و برگزار کنندگان سال های پیش، خبر از شروع کار برای برگزاری «پنجمین کنگره جوانان برگزیده زرتشتی» در اردیبهشت ماه سال آینده داده است. به همین مناسبت پرسش هایی را با چند نفر از شرکت کنندگان دوره های گذشته مطرح کردیم تا از زبان این عزیزان با این کنگره آشنا شویم. این بار «جوانان برگزیده زرتشتی» از خودشان، تجربیات و نظراتشان درباره «کنگره جوانان برگزیده زرتشتی» می گویند:

***لطفاً به صورت کوتاه خودتان را معرفی کنید و بگویید در چندمین دوره کنگره جوانان برگزیده شرکت کرده اید؟**

۱-دکترپیمان کشاورزیان، خوشحالم از اینکه در تمامی کنگره های جوانان برگزیده شرکت کرده ام.

۲-فرانک ماوندادنژاد، رتبه سوم دکترای بیوتکنولوژی دارویی، دانشجوی دانشگاه تهران،۳ باردر کنگره شرکت کرده ام. در کنگره های دوره ۲و ۴ شرکت کننده و در کنگره دوره ۳ برگزار کننده بوده ام.

۳-فرشاد خدادادی، متولد ۷۰/۱۲/۲۶ شیراز، دانشجوی سال آخر کارشناسی برق- مخابرات دانشگاه باهنر کرمان. در دوره پیشین کنگره(کنگره چهارم) شرکت کردم.

۴-مژگان هماوند، دانشجوی سال آخر ارشد طراحی صنعتی دانشگاه امیرکبیر. در دو دوره کنگره حضور داشته ام .

۵-آناهیتا خدادادی هستم. من در دوره اول و سوم و چهارم کنگره شرکت کردم.

۶- هومن یزدانی بیوکی متولد ۱۳۵۷ دکتر دامپزشک هستم و در سومین دوره کنگره حضور داشتم.

*** از نظر شما خصوصیات برجسته و عادت های موفقیت آفرین شما کدامند؟**

۱-پیمان کشاورزیان :دست یافتنی تصورکردن بسیاری از موفقیت هایی که آرزویشان، برایم تنها یک آرزو نیست، امید به آینده ای است که خواهم ساخت، تقدیر نخواندن نداشته هایم، اعتقاد به ارزشهایی که منَطق صفر و یک (شکست و پیروزی) را به تاریخ پیوند خواهند زد، اعتقاد به آرزوهای افرادی که به داشته های امروزمان جامهٔ واقعیت پوشاندند، ایمان به هومت، هوخت و هورشت: سه اصلی که فراموش کردنشان را در دیگران می توان یافت.

۲-فرانک ماوندادنژاد : ایمان قوی به خداوند و تلاش و پشتکار و اراده قوی در رسیدن به اهدافم.

۳-فرشاد خدادادی :توانایی ارتباط موثر با دیگران، توانایی انجام دادن و هدایت کارها به صورت فردی و تیمی، و اجتماعی بودن.

۴-مژگان هماوند :شاید بتوانم بگویم که داشتن پشتکار و اطمینان داشتن به توانایی های خودم باعث شد که از روبرو شدن با مشکلاتی که پیش رویم قرار می گیرند نترسیده و تلاش کنم تا برای هرکدام از آنها راه حل پیدا کنم. البته گاهی هم در این موارد شکست خورده ام!

۵-آناهیتا خدادادی :پشتکار.

۶-هومن یزدانی بیوکی :صبوری، پیگیری در زمینه کارهای مورد علاقه تا رسیدن به نتیجه دلخواه

*** نظرتان راجع به برگزاری کنگره جوانان برگزیده چیست؟ شرکت در کنگره چه تاثیری روی شما داشته است؟**

۱-پیمان کشاورزیان: از اولین کنگره ایمان آوردم به جامعه ای که شاید در گذشته ای نه چندان دور زمامش را در دست افرادی می دیدم که برایش سنتی ترین تصمیمات را در عصری مدرن به پسند خود و منافع شخصی خود می گرفتند، ایمان آوردم به وجود افرادی که می دانند و می شناسند، ملزوماتی را که برای رشد هر جامعه ای لازم است و سکوت کرده اند به حرمت ریش سفیدانی که برایشان بهایی نمی دانند. اما حرمتشان را واجب ترین ها می دانند و سکوت می کنند تا پرسیده شوند. شاید تک تک همکیشان، می دانند سرمایه ای نامحدود در دست افرادی محدود بسیار کارآمد خواهد بود، اما سکوت می کنند به حرمت افرادی که گمان می کنند نمی دانیم زمین ها بخش بر فرد، داشته ها بخش بر آرزوها و امیدها بخش بر امکانات عددی بسیار بزرگ است و شاید با مدیریتی اندک معقول به حاصلضربی خواهد رسید پر از ماندن، رسیدن ، بالیدن و ...

۲-فرانک ماوندادنژاد :وجود این کنگره ها برای جامعه ما بسیار ضرروی است چراکه با وجود این کنگره ها استعدادهای جوانان زرتشتی شکوفا شده و محیطی فراهم شده تا با جوانان موفق زرتشتی آشنا شده و چه بسا هرکدام از این جوانان می توانند الگویی برای افراد شرکت کننده باشند. برای خود من نیز همین گونه بوده و بعضی از افراد برایم الگو بوده اند.

۳-فرشاد خدادادی :برنامه بسیار خوبی است، اهداف بسیار خوبی دنبال می کند. جوانان برگزیده را با هم آشنا می کند که باعث شناختن طرز فکرها، عملکردها و نحوه دستیابی به موفقیت در زمینه های مختلف می شود.

۴-مژگان هماوند :از نظر من برگزاری این کنگره ها برای آشنایی جوانان، که از نیروهای اصلی هر جامعه هستند، مفید است و گردهم آوردن جوانان با توانایی های متفاوت می تواند زمینه ساز فعالیت های زیادی مانند انجام پروژه های متفاوت فرهنگی و علمی و... باشد ولی همه اینها زمانی قابل انجام است که این توانایی ها به درستی تشخیص و به آنها بها داده شوند و درنهایت برای استفاده از آنها به مدیریت درآیند. جوانان ایرانی و به خصوص زرتشتی بسیار علاقمندند که بتوانند کاری مفید برای جامعه انجام دهند ولی برای نشان دادن توانایی های خود نیاز دارند تا از طرف جامعه خود مورد حمایت قرار گیرند و بدانند که کار آنها واقعا برای جامعه مفید است.

۵-آناهیتا خدادادی :شاید به نظر برسد که ارتباط های بعد از این کنگره محصول قابل ارائه ای در مقیاس اجتماعی نداشته است، اما در مقیاس فردی یا گروه های چند نفری کوچک، موجب پیدا کردن راه حل ها و رویکردهای نو برای دغدغه های ذهنی من و افراد دیگر شد.

۶-هومن یزدانی بیوکی :از آنجا که در اکثر کنگره ها به اهداف مورد نظر نرسیده ایم رضایت ندارم ولی از تازه کردن دیدار با همکیشان حس خوبی دارم

*** از نظر شما برگزاری چنین کنگره ای می تواند چه منفعتی برای جامعه زرتشتی داشته باشد؟**

۱-پیمان کشاورزیان : خیلی دلم می خواهد حداقل خودمان بدانیم که خیلی بزرگتر از چیزی هستیم که تعدادمان نشان می دهد، حتی اگر حساب هایمان رقم هایش خیلی کوچک باشد ولی آنقدر داریم که زرتشتی بودنمان را با هیچ چیزی معامله نکنیم، عشق کنیم با دیدن افرادی که بزرگیشان برایمان خیلی بزرگ است. آن هم یک جورایی همین نزدیکی ها و با همین محدودیت هایی که همه مارو به چشم اقلیت نامگذاری کرده. منفعت برای جامعه که نه، ولی دیدن آنها به من که امید ماندن می دهد.بودن بهم ثابت می کند که آنقدرها که شمردنمان عددش کوچک است ، کوچک نیستیم و آنقدر بزرگ هستیم که هیچکس نمی تواند با شمردنمان به بزرگی جامعه ما پی ببرد.

۲-فرانک ماوندادنژاد :درصورتی این کنگره ها می تواند برای جامعه مفید باشد که به شناسایی افراد برجسته و استعداد جوانان در راستای خدمت به جامعه و به کارگیری این استعدادها در جامعه خودمان بپردازد. با کمک به آنها در رسیدن به اهدافشان هم به جامعه زرتشتی سود رسانده می شود و هم جوانانمان با انگیزه بهتری در جامعه خودمان فعالیت می کنند.

۳-فرشاد خدادادی :آشنا شدن جوانان با یکدیگر، شناخته شدن پتانسیل های مختلف در جامعه، مطرح شدن ایده ها و فکرهای جدید برای رفع مشکلات جامعه ...

۴-مژگان هماوند :نیروی فکری جوانان از مهمترین نیروهای هر جامعه ای است که باید بر روی آنها سرمایه گذاری شود. این نیروی فکر می تواند برای کارآفرینی جوانان زرتشتی، انجام پروژه های عمرانی و فرهنگی و یا برطرف کردن مشکلاتی که هم اکنون جامعه ما با آنها مواجه است مورد استفاده قرار گیرد. ولی باز هم در اینجا نقش مدیریت سرمایه های انسانی به خوبی خودش را نشان می دهد و با یک مدیریت درست می توان بهترین بهره برداری را از چنین کنگره هایی داشته باشیم.

۵-آناهیتا خدادادی :در همه اجتماعات، چه اقلیت و چه اکثریت یک جامعه بزرگ تر، برگزاری گردهمایی ها باعث آشنایی، همفکری و همکاری های آتی است.

۶-هومن یزدانی بیوکی :از آنجا که نمی دانیم چه می خواهیم معمولاً در انتخاب اهداف کنگره دچار اشتباه شده و بالطبع به اهداف نیز نمی رسیم.

*** شما علاقمندید چه اتفاقاتی در چنین کنگره ای روی دهد و چه برنامه هایی اجرا شوند؟**

۱-پیمان کشاورزیان : نمی دانم چرا اصرار داریم دراین برنامه ها باید اتفاقی رخ بدهد، خواهشی دارم : بیاید حداقل دراین کنگره منتظر اتفاق نباشیم، و به حاضرین اجازه دهیم تا با در کنار هم بودن اتفاقاتی را خلق کنند که کلی امیدواری ایجاد کند، به خلق آن چیزایی که در آن تخصص دارند. برای بالاتر رفتن تا ... .بنده هر ساله کلی سعی می کنم تا رزومه ای قوی تر داشته باشم تا شاید باز هم بتوانم سعادت شنیدن موفقیت های بقیه همکیشان را داشته باشم. به نظرم دیدن و شنیدن این خبرها برایم کافیست، حتی اگر مجبور باشم ساعت ها کنارآنها بنشینم و برای مشکلات جامعه که شاید کمترین دخالتی در بوجود آوردنشان نداشته ام ،دنبال راه حل باشم. تازه هیچکس هم دراین بین تحمل شنیدن را ندارد. کاش حداقل یک بار به آنها اجازه می دادیم بدون هیچ بازخواست و حرف و حدیثی خوش گذرانند. شاید اصلا همین ،یک اتفاق خوب شد، تا همه سعی کنند همواره موفق باشند تا روزی یک صندلی از کنگره بنامشان ثبت شود .

۲-فرانک ماوندادنژاد :در سال های پیشین جوانان خلاق طرح هایی را برای بهبود جامعه زرتشتی در حیطه های مختلف اعم از علمی، ورزش، هنری و دینی مطرح نمودند که متاسفانه تا به حال به نتیجه کامل نرسیده است.در حالی که باید این طرح ها توسط افراد پیگیری می شد و یا در کنگره های بعدی به طور متوالی این طرح ها بررسی می گردید.

۳-فرشاد خدادادی :برنامه ها و اهداف کنگره خوب هستند ولی به شخصه امیدوارم بیشتر شاهد اجرا شدن اهداف و حرف ها در عمل باشم. همچنین مایلم اگر در بحث و تصمیم گیری شرکت می کنم، که به نتیجه مطلوب می رسد، در اجرا کردن و پیشبرد آن نیز نقش داشته باشم.

۴-مژگان هماوند :من به عنوان یک جوان زرتشتی دوست دارم که چنین کنگره هایی بتوانند به نوعی برای جوانان جامعه ایجاد اشتغال کند و برای عده ای بتواند بازدهی مالی داشته باشد شاید این یک هدف دراز مدت و آرزوی دوری باشد ولی من دوست دارم که جامعه ما بتواند یک شرکت برای خود ایجاد کند و در آن به کارهای مختلف فرهنگی، پژوهشی، نوآوری، عمرانی و... بپردازد و کنگره ها تنها برای دادن گزارش سالیانه باشد تا پس از یک سال کار بتوانند نتایج کار خود را به دیگران ارائه کنند.

۵-آناهیتا خدادادی :طرح مسایل و دغدغه های اجتماعی، ارائه مطالب علمی در حوزه مسائل اجتماعی، ارائه نمونه ها مشابه از مسایل و راه حل های پیدا شده در سایر جوامع و تبادل اطلاعات در زمینه فعالیت های علمی تخصصی، حرفه ای و ... تا شرکت کنندگان به پیشرفت هم کمک کنند.

۶-هومن یزدانی بیوکی :مایل هستم به مسائل بنیادی تر پرداخته شود.

گزارش یک نگرانی

به کجا چنین شتابان؟؟

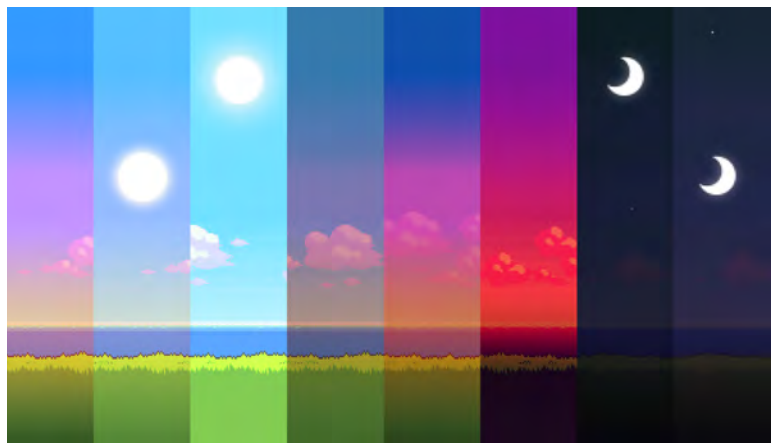

شکر نعمت، نعمتت افزون کند
کفر، نعمت از کفت بیرون کند

شکرگزاری و سپاسدار بودن، ویژگی انسانهای آگاه و بابصیرت است. شکر گفتن و ادای احترام، خود نعمتی است که سرمنشا بارش دیگر نعمتها و افزونی برای شکرکننده خواهد بود.

اندیشیدن به تفاوت ها و شباهت ها، قوت ها و ضعف ها، داشته ها و نداشته ها، نخستین گام و مهمترین حرکت به سوی درک معنای واقعی شکر و کفر است. به یاد بیاوریم دورانی را که دانه های بلورین برنج تنها سالی چندبار به بهانه جشن های بزرگ زینت بخش سفره ها بود و چقدر این دانه پر بها بود و کم یاب، اما امروز تماشای دور ریخته شدن مشت مشت آن برای ما حتی ناراحت کننده هم نیست! یا میوه هایی که روزی به صحتشان می شد قسم خورد امروز با ناسپاسی ما، خوردن و نخوردنشان مانند چاقوی تیز دولبه شاه رگمان را می فشارد. آیا هنوز هم زمان آن نرسیده تا برای توقف این بحران بدانجام انسانی، آستین ها را بالا بزنیم؟

روزگاری دور در این سرزمین، تفکر طبیعت- انسان محوری بر اندیشه ها استوار بود به طوری که پیوند ستوده شده آفریدگار- طبیعت- انسان، سه ضلع مثلث آفرینش و بقای هستی دانسته می شد و بهره وری و بهره رساندن رمز جاودانه ماندن این پیوندها بود. در این دیدگاه، طبیعت در خدمت انسان و انسان در خدمت طبیعت و مینوهای نگهبان و نگهدار آن بود و هر دو دست پرورده ی قدرت و اندیشه یگانه و لایزال اهورامزدا و سربازان راه او یعنی اشا(راستی) تا رسیدن به اشاوهیشتا(بهترین راستی) بودند.

این بینش عمیق و عادلانه و درست، خود جریانی چند سویه را رقم میزد که نتیجه آن برد همه سویه یا رضایتمندی، خرسندی همگانی بود. اما امروزه شوربختانه انسان به زیر عهد و پیمان دیرین خود زده و این پیوندها را فراموش کرده است. گویا تنها جهان هستی باید در خدمت انسان باشد و او وظایف خود در قبال آفریدگار و سایر آفریده ها را به دست فراموشی سپرده و تیر به دست، بر ریشه نوع بشر و آیندگانش می کوبد و گویا تا درخت حیات بشریت را واژگون نسازد از این تلاش نامیمون دست برنمی دارد. صادقانه بگویم ما انسانها مدتهاست که زیر تعهدات خود زده ایم، پیمان شکسته ایم با خدا و طبیعت و همه مینوهایش.

فرارسیدن شب چله فرصت خوبی است تا اندکی از درد دل طبیعت بگوییم. زیرا فلسفه این شب دیرپا، تفحص و خردورزی و مشورت و آینده نگری است در درازنای تاریکی و سیاهی شب تا رسیدن به سپیده بینش و دانایی. به گواه متون زرتشتی، جهان دارای دوجلوه(بُعد) مادی و مینویی است(گات ها هات ۲۸ بند ۲) و به همانگونه نیزآفریده های هستی از جمله انسان، دارای این دو جلوه هستند(گات ها هات ۳۱ بند ۱۱) جهان هستی و به ویژه انسان از همکاری و هماهنگی این دو بُعد وجودی خود، پویا و سرزنده و تاثیرگذار است. انسان به عنوان اشرف مخلوقات خویشکار است تا در کنار حفظ سلامت و صحت خویش، با همه توان در راستای خشنودی و رضایتمندی و خرسندی پروردگار و دیگر آفریده های او بکوشد و سپاس گوید(گات ها هات ۳۳ بند ۱۴، هات ۲۹)

خورشید نیایش، سرود ستایش و سپاس از خداوند است و برشمردن ویژگی های این آفریده و مرسوم است که زرتشتیان این نیایش را در سه گاه هاون(بامداد)، رپیتون(نیمروز) و اوزیرن(پسین)؛ که خورشید فروزان است، در نیایش های روزانه خود بخوانند.

واژه خورشید در اوستا «هوَرخشَئتَ» و در پهلوی«خُوَرشت» است مَرکبَ از دو جزء«هوَر»(درَ فارسی خور و معادل «سوَر» در سَانسکریت و «سُول» در لاتین) و «شئتَ» (در فارسی شید) که صفتی است بَه معنی درخشان. در اوستا «هوَر یا هوَرخشَئتَ» هم به معنی قرص خورشید و کره آفتاب آمده و هم از آن مینویی ویژه اراده شده است:

« مَس و وَه و پیروزگر باد مینوی خورشید اَمَرگ رایومند خروه منذَ اُروَند اسپ.» (خوَرشیدنیایَش)

صفاتی چون اَمرگ(نامیرا- جاودانه)، رایومند(شکوهمند و نورانی)، خروه منذ(فروغمند) اُروَند اسپ(دارنده اسب های تیزپا و نیرومند) در اوستا غالبا از آن خورشید هستند.(یشت ها ۱، گزارش پورداوود، ص ۳۰۵)

زیبایی متون اوستایی در این نکته است که همواره صفت و موصوف ها بسیار برازنده هم هستند. به کار بردن صفت بی مرگ برای خورشیدی که هر روز با غروب خود، پیام تاریکی و خاموشی و سردی را به همراه می آورد، در حقیقت، دانش بالای ایرانیان باستان را به رخ کشیده و نشان می دهد که گذشتگان این سرزمین به دانش گردش خورشید و کرات پی برده و خورشید را همواره تابان و روشن می دانستند حتی اگر شبها از دیدگانشان پنهان باشد.

هر جا بُعد مادی خورشید مد نظر است نامش به صورت «هوَر» و با ستارگان و ماه یکجا آورده شده و مورد احترام و توجه قرار می گیرد:

ستر اوشچه(ستاره)، ماونگ همچَه(ماه)- هوَرچه راُچه (خورشید روشن)یَزَمییده.(اوَزیرن گاه)

از دیگر ویژگی های مشترک میان ستارگان و ماه و خورشید و زمین، یکسانی رفتار و بهره رساندن آنها به هر دو گروه نیکان و بدان است(وندیداد و اوستای همازور دهمان)

یشت ششم به نام «خورشیدیشت»، اختصاص دارد به برشمردن ویژگی های خورشید که «خورشیدنیایش» در خرده اوستا نیز خلاصه ای ازهمین یشت است. این یشت شامل هفت کرده با یک مقدمه کوتاه است:

«خورشید جاودانی باشکوه تیزاسب را می ستاییم در هنگامی که خور با فروغ (خویش) بتابد...صد و هزار از ایزدان مینوی برخاسته و این فر را جمع کنند، این فر را به سوی نشیب فرود آورند، این فر را آنان در روی زمین اهورادادە بخش کنند برای افزودن به جهان هستی برای افزودن به هستی راستی.»

کرده یکم بسیار قابل تامل است. به نظر می رسد مراد از جمع آوری فرّ خورشید توسط ستودگانی مینویی(آنچه ناپیدا اما تاثیرگذار است) و انتقال آن به سوی زمین و گسترش آن برای افزایش راستی (در اینجا به مفهوم آبادانی و سازندگی)، تعبیری باشد از بیان علمی انتقال انرژی تابشی خورشید به یاری فوتون (بسته های ناقل) به جهان اطراف.

در کرده ای دیگر به تاثیر مادی و فیزیکی انرژی تابشی خورشید در گندزدایی و طهارت به ویژه از پیکره آب های گیتی خواه آب روان مانند چشمه و دریاها و خواه آب ایستا چون مرداب و تالاب اشاره شده است.

اندیشه های طبیعت گرا و آگاه از نقش بی مانند طبیعت سالم در تداوم زندگی انسانها، موجب شد تا خورشید را نیز همانند سایر آفریده های نیک اهورادادە مورد تمجید و احترام خاص ایرانیان باستان قرار گیرد:« آموزگار کج اندیش آموزش های دینی را تحریف کرده زمانی که می گوید بدترین گناه با احترام نگریستن به زمین و خورشید است و همچنین چمنزارها را ویران می کند و برضد پاکان سلاح بلند می کند.»(گات ها هات ۳۲ بند ۱۰)

در خورشید نیایش در گاه بامداد انسان افزایش توان تنی در سه شاخه نیکی اندیشه، پاکی و نیرومندی بدن را خواستار است. در گاه نیمروز که خورشید در بالاترین توان تابشی خود بر زمین است، آرزو می کند که به یاری توان تنی که کسب کرده به سوی فرازنده ترین روشنی ها(اهورامزدا) رهنمون شود و در گاه فرورفتن آفتاب می خواهد تا این مینوی اهورایی به همراه سپنتامئینیو با حداکثر توان به یاریش بیایند تا کارهای ناتمام را به نیکی به انجام برساند.

از سویی ارتباط تنگاتنگ میان خورشید و مهر موجب شد تا کرده پنجم خورشید یشت به معرفی مهر ایزد بپردازد هر چند که مهر خود دارای یشتی ویژه است. جالب اینکه در مهریشت، ایزد مهر به نام ایزد فروغ و روشنایی منتسب شده است. اما مهر غیر از خورشید و جلوه خاصی از تابش آن است یعنی پرتوهای پیش از برآمدن و نمایان شدن خورشید و پس از فرو رفتن آن(مهریشت کرده ۱۳ و ۹۵).

صفت دارنده اسب های تیزپا برای خورشید نیز از اشتراکات اعتقادی میان اقوام باستانی است به طوریکه یونانیان باستان نیز خداوند خورشید یعنی هلیوس(سول نزد رومی ها) را به شکل جوانی با خود زرّین که دور سرش اشعه های نور می درخشد، سوار بر گردونه ای که چهار اسب آن را می کشند، متصور شده اند. در مهریشت در توصیف فیزیکی مهر که ایزد نگهبان و پاسبان است نیز او را در پوششی جنگی سوار بر گردونه زرّین که چهار اسب سفید آن را چست و چالاک شبانه روز گرداگرد گیتی می گردانند تصویر کرده و در گردونه اش ادوات جنگی فراوانی برای مبارزه با قوای اهریمنی دارد.

از سوی دیگر صفت تیزاسب برای خورشید اشاره ای است بر سرعت سیر آن در آسمان که در بندهش نیز به شکلی دیگر این سرعت سیر و تفاوت آن با سرعت گردش ماه بیان شده است.

در خورشیدیشت در خصوص بهترین دوستی ها آمده است:

«من می ستایم دوستی را، آن بهترین دوستی که در میان خور و ماه موجود است.»

به واقع نیز دوستی میان ماه و خورشید مثال زدنی است زیرا هنگام عدم حضور یکی، دیگری با وام گرفتن نور او در دل شبهای تار، روشنی بخش ملایمی برای هستی و موجوداتش است و آنگاه که فروغ پر توان خورشید دوباره ظاهر می شود، ماه عرصه نورافشانی را به دوست فروغمند خویش می سپارد تا شبی دیگر.

چه بزرگ است خورشید تندتاز و چه سخاوتمند است که بی هیچ چشمداشتی انرژی خود را در دل همه ذرات ذخیره می سازد تا در شبی دراز چون چله در شمایل سیب های سرخ و انارهای پردانه و هندوانه های شیرین زینت بخش شادمانی ها و بزم های ما باشد و اینچنین جاودانه است. این سخاوتمندی او را بر دیده منّت نهاده و اهورامزدا را سپاس می گوییم و به خاطر می آوریم وظیفه خویش را در قبال طبیعت و آفریده های پروردگار تا ما نیز دوستی هایمان با طبیعت به مانند دوستی ماه و خور مثال زدنی باشد.

« و جاودانه بر ما بتاب ای خورشید باشکوهِ فروغمندِ تندتاز.»

شماره شصت و شش - آذر ۱۳۹۳ - پارس نامه - ماهنامه خبری پژوهشی تحلیلی

سمیناهاری به صرف آش

کودک نفهم

امروز در خانه ما سمیناهاری برگزار شده می باشد. من سمیناهار خیلی دوست میدارم. در سمیناهار یه مشته آدم مفت خور که کلا هیچوقت هیچ جا حضور نمیدارند یهویی حضور پیدا کرده میباشند و علاوه بر زدن حرفهای قلمبه سلمبه ، ناهار هم خورده میباشند. کلا سیمناهار فقط دردسر برای ما داشته می باشد و جز هزینه چیز دیگری نمیدارد. این سمیناهار توسط مامانم ترتیب داده شده است.

موضوع سمیناهار خانه ما ، بازیگران جامعه زرتشتی می باشد. مامانم میگوید که قصد میدارد در این سمیناهار افراد زرتشتی را بصورت بازیگری طبقه بندی بنماید. او در این بین از بابایم هم بعنوان فرد اصلی دعوت کرده میباشد تا سخنرانی داشته باشد. آخه بابایم خیلی آدم باکلاسی میباشد .او تمام همکیشان را از خیلی نزدیک میشناسد و تقریبا روغن همه بازیگرها به تنش مالیده شده است.

بابایم در ابتدای سمیناهار معنی بازیگر را برای ما توضیح میدهد. او می گوید بازیگر فردی می باشد که هرکاریش بکنی باز فکر منافع خود می باشد. بابایم معتقد میباشد که تمام بازیگرها سنگ افراد جامعه رو توی سر خود میزنند ولی درنهایت فقط منافع خود را می بینند. او می گوید البته این منافع ممکن است اصلا مادی نیز نبوده باشد. مثلا اسم در کردن ، رابطه پیدا کردن ، تسهیلات شغلی گرفتن و.... هم منافع افراد بازیگر میباشد.

او می گوید در جامعه ما چندین نوع بازیگر میداریم که فقط هم در جامعه ما موجود میباشندودرهیچ جوامع بشری حتی جوامع آدمخوارها نیز چنین گونه بازیگران و بازیگردانها یافت نمی شود. بابایم بازیگرهای جامعه زرتشتی رو بشرح زیر تقسیم کرده می باشد:

۱/ بازیگر دلسوز: اینگونه بازیگر با تمام دلسوزی درجامعه حضور میدارد و هرجا میروید او را میبینید ، بازیگرهای دلسوز لزوما کاره ای در جامعه نمی باشند ولی بارها سمت داشته اند و نشان داده اند که آنقدرها هم دلسوز نمی باشند ونصف بدبختی ما بخاطر وجود آنها است. اینگونه بازیگرها بدلیل خاص بودنشان خیلی نادر میباشند.

۲/بازیگر خنگول : بابایم معتقد میباشد که بازیگر خنگول بازیگری است که به هردری میزند تا خودش را دلسوز نشان بدهد ولی خبر ندارد که مردم خبر دارند که حنای او دیگر رنگ پس نمیدهد. بابایم میگوید بازیگران خنگول به خداجون و آقا پیامبر و روان درگذشتگان و همه چیز آویزون میشوند تا بگویند بخدا منهم آدم میباشم. بابایم میگوید این موجود همیشه وهمه جا حضور میدارد و درعین آرام بودن همانند روباه مکار ولی ازنوع خنگولش است. این نوع بازیگرها هرزچندگاهی ، سمتی نیز درجامعه داشته اند.گونه این بازیگرها درحال انقراض است.

۳/بازیگر دودره باز: این نوع بازیگر همش بفکر دودره بازی است. قیافه این نوع بازیگرها چیزی شبیه ژان والژان قصه بینوایان میباشد ولی بازیی همانند هیتلر میدارد. این موجود برای منافع خود ، بابای همه را در می آورد. بابایم میگوید به سختی میتوان این موجود را شناسایی کرد.

۴/بازیگر موجی : این موجود قبلنا به اسم حزب باد معروف بوده ولی از وقتی داشتن حزب ،جرم شناخته شد اینگونه را موجی صدا میزنند. بازیگر موجی هرجا که به نفعش باشد حضور گرمی میدارد. عموم این بازیگرها از خودمردم میباشند وبدون توجه به واقعیتها ، یه مشته انتقاد رو مطرح میکنند و آخرش هم با شنیدن یک خبر جدید تمام حرفهای قبلی خود را فراموش میکنند. بازیگر موجی خیلی باحال میباشد و فقط حرف میزند وتابحال درجامعه هیچ مسئولیتی را قبول نکرده است.

۵/بازیگر فحش خور: این بازیگر فقط فحش میخورد و پوستش کلفت است معمولا مسئولیتهای مهمی میدارد ولی اصول بازی را نمیداند درنتیجه همش فحش میخورد. بازیگر فحش خور در عین اینکه خیلی ممکن است زحمت بکشد ولی چون بازی بلد نیست همه فکر میکنند که بی عرضه میباشد. بازیگران دلسوز و خنگول دشمن جدی این نوع بازیگر میباشند. بابایم میگوید: این نوع بازیگران درمعرض سکته مغزی ویاقلبی قرار میدارد.

۶/بازیگر شفاف: این نوع موجود بسیار نادرتر از گونه های قبلی است واصلا ول کن معامله نیست. بازیگر شفاف تا بیخ وبن جامعه مارو داغون نکند بیخیال نمیشود. این نوع بازیگر تمامی افراد جامعه رو در سنین پایین جذب کرده وبا بازیی که به خرج میدهد آنها را از راه راست به جاده خاکی میکشاند و بعد بقیه ماجرا هم که خیلی مشخص میباشد. بازیگران شفاف چون به ظاهر اونورش معلوم است طرفدار هم میدارد . مردم بازیگران شفاف را از خودشان میدانند ولی معمولا به اونور این موجودات توجهی نمیکنند. برای همین او هرکاری دلش بخواهد میکند.

۷/بازیگر محتاط : بابایم میگوید بازیگر محتاط خودش هم نمیداند چه غلطی میکند فقط در پاره ای اوقات می آید و میکند و میبرد . بعد هرجا که لازم شد دوباره می آید و میکند و میبرد. او میگوید : این نوع موجود حتما در جامعه قواعد بازی را میداند ولی برحسب احتیاط منافعش محدود میباشد.

۸/ بازیگر رومخ : بابایم این نوع بازیگر رو توضیح نمیدهد ولی من خوب میدانم چه نوع بازیگری میباشد چون رو مخ خود من نیز میباشد.

الان دیگر وقت ناهار برنامه سمیناهار میباشد ومن مطمئن میباشم که همه آدمهایی که اینجا آمده اند باخوردن یک ناهار فراموش میکنند که موضوع اصلی چه بوده است و دوباره اسیر بازی این بازیگرها میشوند.خصوصا اگر ناهارش آش باشد.

شما چه فکر می کنید

مهرانگیز شهزادی

آیین های دینی همان گونه که از نامش پیداست، دینی است نه ملی و پیروان ادیان گوناگون آنها را در جایگاه مربوط به خودشان انجام می دهند. ما زرتشتیان هم گاهنبار، سدره پوشی، گواه گیری و ... را در جاهایی که دارای نمادهایی مانند نگاره زرتشت، فروهر یا نوشته هایی از گاتها هست برگزار می کنیم، نه در جاهای غیر زرتشتی با نگاره هایی که با باورهای دینی ما هماهنگی ندارد. زیرا حضور موبد، گستردن سفره با نماد امشاسپندان و بر زبان آوردن کلمات مانتره و نو کردن کشتی، سپند و جایگاه ویژه ای دارد. هنوز به یاد داریم در گذشته نه چندان دور که عروسی ها در هتل یا سالن های غیرزرتشتی برگزار می شد، گواه گیری باید در سالن خسروی انجام می گرفت و پس از آن به محل جشن می رفتیم.

موبد هرگز بر سر مزار درگذشتگان که در باور ما جای پاکی نیست، اوستا نمی خواند و دیده ایم که زمان خاکسپاری، موبد در تالار آرامگاه به اوستا خوانی ادامه می دهد و دیگران بر سر مزار می روند.

گاهی اوستا خوانی در پهنه طبیعت در جایی تمیز و پاک مانند دشت، کوه یا کنار رودخانه و چشمه، در جایی خلوت و آرام انجام می گیرد (اوستای آبزور کنار جوی یا آب روان).

مردم همه کشورها به زیارت و بازدید از جاهای دیدنی و توریستی مانند کلیسا، مسجد، مزار بزرگان و مقدسین می روند، شاید دعا و نیایش خود را هم بخوانند ولی مراسم مذهبی شان را آنجا بجای نمی آورند.

به گفته زنده یاد موبد شهزادی سنت های دینی باید با پیشرفت دانش و جا به جایی مکان و جلو رفتن زمان، دگرگونی هایی پیدا کند تا دین ما واپس مانده نباشد ولی این فرشگرد (نوگرایی) باید بر پایه گاتها یعنی اساس دین و از روی خرد باشد. پس چه بهتر پیش از انجام کارهای نو، کمی بیندیشیم و با موبدان فرزانه و آگاه مشورت کنیم.

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و به وجود آمدن سایت ها و رسانه های خبری، کارهایی که به وسیله موبدان و بهدینان و گروه های گردشگری انجام می شود، بازتاب گسترده جهانی دارد که از دید کسی پنهان نمی ماند و مورد داوری قرار می گیرد.

روحانیان زرتشتی و ما بانوان در برگزاری و نگهداری آیین های دینی نقش بسزایی داریم و با اندک اشتباه یا بی توجهی می توانیم بنیان گذار سنت نادرست و دور از پایه های دین بهی باشیم که درست کردن آن بسیار سخت و گاهی ناممکن است مانند همین سفره های تقلیدی از دیگران.

سخن آخر این که آیا بهتر نیست به نام و با یاد هر کس و به هر دلیلی که می خواهیم جَشن یا گهنباری بخوانیم، این کار را در مکان های خودمان انجام دهیم؟

چرا موقع دویدن یا خندیدن شدید در ناحیه پهلو احساس گرفتگی می کنیم؟

در همه این موارد یک اتفاق مشترک وجود دارد و ان فشار بر دیافراگم است. وقتی به شدت می خندید، هوای زیادی را وارد ریه می کنید که ریه ها را پر می کند و ماهیچه های شکم منقبض می شوند. با این انقباض به دیافراگم فشار می آید. چنین وضعیتی زمان جیغ کشیدن هم ایجاد می شود . گاهی اوقات وقتی که زیاد می خندید، ممکن است در ناحیه بازوی راستتان دردی احساس کنید.عصبی که دیافراگم را تغذیه می کند به سمت شانه راست هم می رود. گاهی خنده از ته دل ممکن است چنان فشاری به دیافراگم وارد کند که فکر کنید دچار حمله قلبی شده اید ! بنابراین با آهسته خندیدن ، جلوی فشار زیاد بر دیافراگم را بگیرید.

چرا گوشت مرغ سفید است؟

گوشت بیشتر پرندگان مانند کپک ، کبوتر و اردک تیره است ولی گوشت سینه و بال مرغ و بوقلمون سفید است. پرندگان دو نوع فیبر ماهیچه دارند ، فیبر قرمز و فیبر سفید.فیبر قرمز ماده ای به نام میوگلوبین دارد که قرمز رنگ است و موجب می شود که فیبرهای قرمز توانایی بیشتری برای فشار و کار داشته باشند. بیشتر پرندگان شکاری برای یافتن غذا و پرواز های طولانی برای کوچ کردن نیازمند به ماهیچه های قوی هستند بنابراین در این پرندگان فیبر قرمز بیشتر است و رنگ گوشت پرنده تیره به نظر می رسد.از انجا که مرغ خانگی یا بوقلمون زندگی راحت تری دارند و از بال هایشان و عضلات سینه استفاده نمی کنند، فیبر سفیدشان بیشتر است و گوشت سینه ان ها سفید است وچون فقط راه می روند گوشت ران آنها کمی تیره است.

چرا بعضی از بادام ها تلخ هستند؟

اگر بادام در شرایط نامناسبی نگهداری شود ، به مرور تلخ می شود. تلخی بادام به دلیل اکسید شدن اسیدهای چرب موجود در آن است. برای اینکه مغزها تلخ نشوند معمولا آن ها را خشک می کنند.

بعضی از افراد برای جلوگیری از فساد، مغزهای آن ها را در یخچال نگه می دارند ، اما نگه داشتن بادام در یخچال سبب می شود رطوبت وارد بادام شود و آن را فاسد کند. راه مناسب برای نگهداری با پوست و در محیط خشک است.

چرا موز هسته ندارد؟

باید گفت که موز هسته دارد ولی موزهای زردی که ما می خوریم هسته های بسیار کوچکی دارند، موزهای وحشی دارای هسته های بزرگ تری هستند که باعث می شوند خیلی قابل خوردن نباشند اما تکثیر آنها را ساده تر از موزهای زرد معمولی می کند.

موزهایی را که ما می شناسیم از طریق شاخه های درخت مادر می توانند تکثیر شوند و نه هسته هایشان با این اوصاف باید گفت که طبقه بندی موز زرد به عنوان میوه زیاد درست نیست. چون میوه ها معمولا از طریق هسته تکثیر می شوند.

ا	ح	د
ر	س	ص
ط	ع	؟

با توجه به شکل زیر مشخص نمایید به جای علامت سوال چه حرفی باید قرار گیرد.

؟ معما ؟

سه جعبه در اختیار داریم که یکی حاوی سیب، یکی حاوی پرتقال و یکی هم حاوی سیب و پرتقال است. تمامی جعبه ها در بسته اند و محتویاتشان نامعلوم است.

روی کلیه جعبه ها برگه ای با عنوان محتوای جعبه زده شده. ولی تمام برگه ها روی جعبه غلط نصب شده اند.

شما می توانید یک میوه از یکی از جعبه ها بدون نگاه کردن به بقیه محتوای جعبه، بردارید و سپس می بایست برگه های هر جعبه را با عنوان صحیح به جعبه درست بچسبانید. چطور می توانید این کار را با موفقیت انجام دهید؟

جواب معمای قبلی

معما تا جایی که شاگرد دوهزار تومان رو برای خود و سه هزار رو به آنها پس میدهد درست است اما مشکل اینجا وجود داره که وقتی نفری ۱۰۰۰ میگیرن در واقع نفری ۹۰۰۰ تومان پرداخته اند که ۹۰۰۰*۳=۲۷۰۰۰ و + ۲۰۰۰ میشه ۲۹۰۰۰ تومان!!!!

اشتباه همین جاست که نباید ۲۷ رو با ۲ جمع کرد و درواقع بایـد آنها رو از هم کم کرد.(۲۵+۲ تومان پول شـاگرد =۲۷).یعنی سه نفر ۳۰۰۰۰ تومان پول دادند که سـه هزار تومان رو شاگرد به آنها برمیگرداند پس آنها ۲۷۰۰۰ تومان دادند که ۲۰۰۰ تومان رو شاگرد برداشـته و ۲۵۰۰۰ هزار تومان رو بابت پول سـاعت پرداخته اند. به همین سادگی.

در این قسمت ، اطلاعاتی مربوط به یکی از استانهای زرنشتی نشین را خواهیم آموخت

استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان به عنوان پهناورترین استان در ناحیه جنوب شرقی کشور واقع شده است. این استان ۱۲۳۰ کیلومتر مرز خاکی با دو کشور پاکستان و افغانستان و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در کرانه های شمالی دریای عمان دارد و از شمال به استان خراسان جنوبی، از جنوب به دریای عمان، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان و از غرب به استان های هرمزگان و کرمان محدود شده است.

تاریخچه:

سرزمین اساطیری سیستان و بلوچستان از دو ناحیه شمال و جنوب تشکیل شده است. سیستان امروزی که قسمت شمالی استان را در برمی گیرد، در کتاب دینی و مذهبی، یازدهمین سرزمینی است که اهورامزدا آفریده. همچنین زادگاه رستم دستان قهرمان حماسی شاهنامه فردوسی می باشد. تاریخ نگاران، سیستان را به گرشاسب، یکی از نوادگان کیومرث نسبت داده اند. نام سیستان از نام اقوام آریایی سکا اخذ شده است. سکاها در حدود سال ۱۲۸ قبل از میلاد، سیستان را به تصرف خود در آورده و در پهنه آن استقرار یافته اند. نیمروز نام دیگر سیستان است. همچنین بنای بیشتر شهرهای سیستان را به پهلوانان اسطوره ای ایران چون زال، سام و رستم نسبت داده اند. زمانی سیستان جزو متعلقات دولت ساسانی به شمار می آمد که به دست اردشیر بابکان فتح شد. سرزمین بلوچستان امروزی که ناحیه جنوبی استان را تشکیل می دهد، در قدیمی ترین اسناد تاریخی به اسم مکا مشهور بوده و در نوشته های هرودت تاریخ نگار یونانی از آن به عنوان گدروزیا یاد شده است.به دنبال سقوط هخامنشیان توسط اسکندر مقدونی (۲۳۰ پ- م) وی مسیر بازگشت خود به هند را گدروزیا انتخاب کرده است.

پریشان حال

* بهرام دمهری

مـی دانید که بر اثـر مرور زمـان، کلمات و حتـی جمله ها، معانی خاصی را پیدا می کنند و بعضـی مواقع به طور کلـی مفهوم تازه ای خواهند یافـت. مثلا در قدیـم، البته نه خیلی قدیـم، همین سـال های نزدیـک، یعنی دهه سـی، به کسی که خیلی پریشـان احوال بود، می گفتند فلانی آشـفته است! حالش خوب نیسـت. اگر جوان بود می گفتند شاید عاشق اسـت. پاپی می شـدند ببینند چه فردی را می خواهـد. به هـر ترتیبی بود آنهـا را به هم می رسـاندند تا از آشـفتگی خلاص شوند. اگر خیلی به هم ریخته بود و به قولی سـر به بیابان می گذاشـت یا در کوچه و بـازار حرف بی ربط مـی زد، این دفعه می گفتنـد که فلانی دیوانه شده است.

آن روزهـا دکتر و دارو کـم بود یا اصلا برای هـر دردی دکتر خاصی وجود نداشـت. برای بیمـاری روانی در یزد دکتـری نبود فقط یک مطب بود که می گفتند دیوانه ها را آنجا بستری می کنند. دسـت و پای آنهـا را می بندند و .... جالب تر اینکه برادر این دکتر معلم نقاشی بود. سر کلاس کتک می زد. فحش می داد و هزار جور خشونت به خرج می داد. لباس شیک می پوشید و کراوات گلدار به گردن می آویخت و برای خود شـخصیتی بود! کسی با او کاری نداشـت. اصلا به ذهن کسی خطور نمی کرد که با معیارهای امروزی او هم دیوانه است.

آن روزها اگر کسـی حالش خیلی بد می شد او را می بردند به یکی از اسـتان ها که مکانی خاص برای نگهداری آنها داشتند. کسانی که برای ملاقات آشنایان به آنجا رفته بودند، قصه های دردناکی تعریف می کردند که با آدمهای بسـتری در آن مکان، خیلی بد و وحشـتناک رفتار مـی کردند، بدتر از زندانیـان. نمی دانم آنجـا دارو و درمانـی هم بود یا فقـط آنها را نگهداری می کردند.

البته امروز بسـیار متفاوت است. برای هر درد و بیمـاری دکتر و تخصصی وجـود دارد. در شهرها و سر هر کوی و برزنی تابلویی به چشم می خورد که نشان دهنده تخصص یک دکتر است. صدها مشـاور و راهنما برای اعصاب و روانشناس برای روان تربیت شده اند. نمی دانم آنهـا چه می گویند یا چـه دارویی تجویز می کنند ولی دیگر مانند گذشـته نیست. هر کسی وقتی در خود ناهنجاری و مشکلی می بیند، می رود دکتر تا کارش به جاهای باریک نکشد و بستری نشود.

دوسـتی تعریف می کرد که در همان سالهای قبل و در محله آنها، شخصی زندگی می کرده که آزارش به هیچکس نمی رسیده، کم حرف مـی زده و مهربان بوده. فقط گاهی وقت ها به اشـخاص به اصطلاح سرشـناس و مخصوصا کسـانیکه بی جهت خود را بـزرگ و بزرگ زاده و کله گنده نشـان مـی دادند، متلک می گفت کـه باعث خنـده مردم می شـد. مردم هم بـا دل پرخونی کـه از این افراد داشـتند، مانند کدخدا، حـرف او را تایید می کردند و روزهـا درباره آن موضوع صحبت می کردند. حرفهایش شده بود ضرب المثل و از حرف او نقل قول می کردند. آنهایی هم که مورد نقد و تمسخر او قرار می گرفتند، می گفتند این مرد دیوانه است.

تابستان ها حالش بد می شد. گاهی وقت ها سر و صدا راه می انداخت و آسایش ساکنین محله را بـه هم می ریخت. بالاخـره تصمیم گرفتند او را داخل جـوی آب ببرند. آنجا محوطه ای تقریبـا ۴×۵ متر مربعی بود و دائما آب از آنجا می گذشـت. خنک بود به قول خودشان او را حبس کرده بودنـد. البته او هم پذیرفته بود. از آن پس تابسـتان که می شد خودش می رفت کنار آب که تا سـطح زمین حدود شصت پله بود، می نشسـت و می خوابید. بـا افرادی که برای آوردن آب یا شسـتن ظـرف و لباس به آنجا می رفتند، کاری نداشـت. فقط وقتی سر به سرش می گذاشتند او هم حرفی می زد! که موجب خنده می شـد. شـب ها هم می آمد و یک راسـت می رفت پشـت بام خانه اش می خوابیـد. کسـی او را نمی دید تـا اول پاییز و زمسـتان که دیگر به محوطه داخل جوی آب نمی شـد، رفـت و در خرابه ای کـه نزدیک منزلشان بود، کنار آفتاب، روزگار می گذراند. به خاطـر آفتاب و بیکاری مردم کشـاورز در فصل زمسـتان، اکثر مـردان و اندک زنان هم در حالیکه بافتنی در دست داشتند، در کنار او ساعت ها آفتاب می گرفتند. از این نظر او تنها نبود و جمله های کوتاه و شـیرین و گاه تلخ بر زبان می آورد.

آن روزها بیشتر حرفش این بود که شما دیوانه ایـد. وقتی می گفتیم من دیوانـه ام یا تو، او با قـدرت و صدای بلند می گفت تو. او سـپس شـرح می داد که چه کار بدی انجام گرفته که او، آنهـا را دیوانه صدا می کند. او توضیح می داد که اگر خدا برساند، لقمه ای نان می خورم و کهنه لباسی می پوشـم و به کسی آزار نمی رسانم و حق کسی را نخورده ام ولی تو چه؟!

جالب اینکه، اصل و نسب همه را می دانست. او شـروع می کرد به سخنرانی که پدر تو چه کاره بـوده و جد تـو مال فلانـی را خورده، خودت شهادت دروغ داده ای و صد حکایت دیگر را بیان مـی کرد و نتیجه می گرفت که حالا من دیوانه ام یا تو. وقتی مردم سـماجت می کردند که من دیوانه ام یا تو. باز می گفت تو. آن وقت عصبانی می شـد و با صدای بلند تقریبـا پته همه مردم محله را می ریخت روی آب. می گفت فلانی زنش را کتک می زند. فلانـی حق خواهـران و برادرانش را خورده. فلانـی به پدر و مادر پیـرش رحم نکرده و به آنها نمی رسد یا می گفت کدخدا زمین های مردم را وقف می کند. با مردم دشـمن است و پسـرهای مردم را به اجباری می فرستد، از مردم گندم و کله قند می گیرد. شهادت دروغ می دهد.

اینقـدر ایـن حرفها را زد کـه دیگر تحملش نکردنـد. افـرادی که به درسـتی مـورد نقد او قـرار گرفتـه بودنـد بـا کمـک کدخدا، استشهادی درسـت کردند که فلانی موجب اذیت و آزار است. فحش می دهد، خطرناک شده و از این وصله ها و با هزار جور پارتی او را فرسـتادند همان استانی که به اسم مداوا، به این افراد ظلم می کردند. سالها آنجا بود. بعد از مدتی برگشـت. گرد پیری بر سر و رویش نشسـته بود. همیشه در خانه بود ولی این دفعه از آدمهـا فراری شـده بود ولی هنـوز عقیده داشت که همه به جز او دیوانه اند. زندگی او سخت تر شده بود.

حال که به آن موقع ها فکر می کنم به این نتیجه می رسـم که او شاید فرق بین گناه و دیوانگی را نمی دانست. چون در توصیف آدمهای بد و زشتکار باید کلمه گناه و گناهکار را به کار می برد ولی او ندانسـته می گفت: اینها دیوانه اند. امروز که با دوسـتی دانا، هوشـمند و آگاه در مورد این موضـوع صحبت می کردیم گفت: بین گناهکار و دیوانه فاصله ای نیسـت. چون دیوانگان مرتکب گناه می شـوند. اگر براستی این افراد عاقل و هوشیار بودند به گناه آلوده و گناهکار نمی شدند. چون دیوانگان از عقوبت گناه غافلند. بله شاید بتوان گفت که گناهکاران به نوعی دیوانه اجتماعی هستند. شاید!

پارس نامه

ماهنامه خبری پژوهشی تحلیلی

شماره شصت و شش- آذر ۱۳۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر اسفندیار اختیاری
زیرنظر شورای سردبیری - همکاران: همراهان تارنمای برساد
آدرس: یزد - صفائیه - خیابان استاد احمد آرام - کوی استادان - کوچه هنر ۶ - کد پستی: ۸۹۱۵۸۱۷۱۱۳
تلفن: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۸۸۱
دورنگار: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۸۷۹
پیام نگار: ۰۹۳۵۵۴۶۶۴۱۵
صندوق پستی: ۸۹۱۹۵/۱۵۴
پست الکترونیکی: info@parsnameh.ir
پارسنامه در ویرایش نوشته ها آزاد است و همه نوشته ها دیدگاه پارس نامه نیست.